



مجلس شورای اسلامی ایران  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی



## فقه امامیه

# حوزه فقهی اصفهان و نقش آیت الله آقا نجفی اصفهانی

سید احمد عیلی\*

اصفهان از جمله معدود مناطقی است که مجال آن را یافت تا در گذر تاریخ، شاهد بروز آرا و نظریات گوناگون، پیدایش مکاتب و نحله های فکری متفاوت باشد. از آغاز شکل گیری حکومت صفوی تا عصر حاضر همکاری، همراهی و نظارت علما در امور سیاسی و اجتماعی از مهم ترین ویژگی های حوزه علمی اصفهان بود. مبنای این مشارکت نیز آن بود که مجتهدان معتقد بودند اجرای برخی از امور دینی مانند قضا و امور حسبه بر عهده فقها و مجتهدان است. پس از سقوط صفویه تا اوایل دوره قاجار از نفوذ سیاسی حوزه علمی و دینی اصفهان کاسته شد. اما در دوره قاجار با حضور علمای مقتدر در اصفهان که در وقایعی چون نهضت تحریم تنباکو و مشروطیت نقش اساسی و کلیدی داشتند، این حوزه از نفوذ و اهمیت خاصی در بین شهرهای ایران برخوردار گردید. در این دوره، بیشتر عالمان تحصیلات و سطوح را در این شهر فرا می گرفتند و برای تکمیل تحصیلات به حوزه نجف که از نو رونق یافته بود مهاجرت می کردند. برخی از آنان پس از کسب درجه اجتهاد و نایل شدن به مراتب بالای درسی به اصفهان باز می گشتند و به تدریس و تصدی دیگر شؤون دینی می پرداختند. همچنین رفت و آمدها سبب شد که اصفهان همچنان در پرورش مجتهدان مبرز پیشگام بماند.

آقاجنقی و جایگاه سیاسی فقیه در مکتب اصولی است که در زیر می‌خوانید:

### طبقه بندی فقه امامیه در اواخر عصر قاجار:

جریان فقه شیعه از زمان رحلت حضرت رسول (ص) تا زمان حاضر در حال تطور بوده است. در فقه امامیه به لحاظ مفتوح بودن باب اجتهاد در همه دوره ها، حرکت جریان فقهی به سوی جلو و در جهت ارتقاء بوده است. منابع مختلفی که در بررسی سیر تحولات فقه امامیه نگاشته شده، هر کدام جریان فقه شیعه را به ادوار مختلفی تقسیم کرده و هر یک از این تقسیم ها با معیارهای خاصی انجام شده است. در میان طبقه بندی های مختلف ۶ تقسیم به طور نسبی کامل و تقریباً نزدیک به یکدیگر مشاهده می‌شود: در تقسیم بندی نوع اول حیات فقه امامیه بر ۹ مرحله تقسیم شده است که آخرین مرحله آن مرحله «تلیخیص مباحث فقهی» از زمان آخوند خراسانی تا عصر حاضر است. حیات فقهی اصفهان اواخر عصر قاجار نیز در این مرحله قرار می‌گیرد. (جناتی، ۱۳۸۶: ۲۵-۶۰)، در تقسیم بندی نوع دوم نیز، فقه اصفهان در دوره تاریخی مورد بحث این مقاله در مرحله آخر قرار می‌گیرد که از شیخ انصاری تا آخر حیات امام خمینی (متوفی ۱۴۰۹ ق) را در بر می‌گیرد. (گرگی، ۱۳۷۵: ۱۱۷-۱۶۴)

در تقسیم بندی نوع سوم، حیات فقهی اصفهان در دوره تاریخی مورد بحث در آخرین مرحله حیات فقهی امامیه یعنی از عصر تاریخی آقا وحید بهبهانی تا قرن چهاردهم هجری قرار می‌گیرد. (شهابی، ۱۳۲۹، ج ۱: ۳۸۳)

در تقسیم بندی نوع چهارم حیات فقه امامیه در اواخر عصر قاجار به دوره «تکامل فقه» معروف است که از عصر وحید بهبهانی (متوفی ۱۸۶۱ ق) تا به امروز را در بر می‌گیرد. (جعفری هرندی، ۱۳۷۱: ۱۳۱-۱۴۱)

در تقسیم بندی نوع پنجم، برای هر دوره از ادوار فقه امامیه ویژگی خاصی اطلاق شده است که آخرین دوره آن که به لحاظ زمانی مطابق با اواخر عصر قاجار است به عصر ابداع فقهی (۱۲۶۰ ق تا زمان حاضر) معروف است.

در تقسیم بندی نوع ششم نیز، ادوار فقه امامیه به صورت مکتب هایی که نام هر مکتب از بزرگان فقه امامیه گرفته شده است منشعب می‌شود. در این تقسیم بندی، فقه امامیه اواخر عصر قاجار به نام مکتب شیخ انصاری (متوفی ۱۲۸۱ ق) متأثر از آرا و اندیشه های اوست. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۴۳-۴۸)

تمامی طبقه بندی های فوق را می‌توان از دو جهت مورد نقد و بازنگری قرار داد: اول آن که، برخی از تقسیم ها

حتی فقیه اصولی مشهوری چون سید محمد مجاهد (فرزند سید علی طباطبایی صاحب ریاض و نواده وحید بهبهانی) که خود در درس اجتهادی جد و پدرش شرکت کرده و جایگاه معتبری داشت به اصفهان آمد و چند سال، تا هنگام در گذشت پدرش (۱۲۳۱ ق)، به تربیت طلاب همت گماشت. (خوانساری، ج ۷: ۱۴۵-۱۴۷) و یا محمد تقی بن محمد رحیم اصفهانی (متوفی ۱۲۴۸ ق) که به دلیل تألیف کتاب مفصل هدایه المسترشدين در شرح معالم الاصول به صاحب حاشیه مشهور شده، فقیه و اصولی و مدرس برجسته ای است که در اصفهان شاگردان زیادی پرورش داد. وی داماد شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۸ ق) و جدّ اعلاى خاندان آقا نجفی و مسجد شاهی های اصفهان است. او پس از حمله وهابی ها به کربلا در ۱۲۲۱ ق، به اصفهان مهاجرت کرد. در مسجد ایلیچی اصفهان، حوزه درسی پر رونقی تشکیل داد که در درس او حدود چهارصد نفر شرکت می‌کردند (مهروی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱: ۱۳۲ و ۱۳۸). از این زمان به بعد، اصفهان به طور رسمی از حوزه های تابع نجف شد و استادان درس آموخته نجف با استقرار در این شهر، دستاوردهای علمی آن را در اختیار طلاب می‌گذاشتند. یکی از مشهورترین مجتهدان و مراجع علمی اصفهان که در نجف تحصیل کرده بود، فقیه و اصولی برجسته محمد تقی مشهور به آقا نجفی (متوفی ۱۳۰۱ ق) در جای او به تدریس فقه و اصول پرداخت و جایگاه ویژه ای میان طلاب و عموم مردم داشت. حوزه علمی و روحانی اصفهان در این عصر منسجم، مقتدر و از جنبه تخصصی کارآمد و نظراتش نافذ بود. هنوز اقرار صریح ناصرالدین شاه در خاطره ها باقی بود که بعد از درگذشت آیت الله میرزا سید محمد امام جمعه و روحانی برجسته اصفهان گفته بود: «امروز می‌توانم بگویم اصفهان مال من است» (بامداد، ۱۳۷۸، ج ۳: ۷۸)

کمی قبل از مشروطیت، زعامت دینی شهر و رهبری روحانیون اصفهان با آقا نجفی و در عصر مشروطیت با برادرش حاج آقا نورالله نجفی (متوفی ۱۳۰۶ ش) بود. جایگاه سیاسی-اجتماعی این خانواده را باید به گونه ای نمایاند که واقعیت های آن زمان را به درستی شامل شود. نباید فراموش کرد که حکومت جابرانه چندین ساله ظل السلطان در اصفهان با پافشاری ایشان برافتاد.

حال جای طرح این سؤال است که فقه امامیه در این دوره چه تغییر و تحولاتی را در خود شاهد بوده؟ و حوزه فقهی اصفهان اواخر عصر قاجار به موازات حوزه نجف چه تحولاتی داشته است؟ با طرح این مقدمه، محورهای مورد بحث در این مقاله شامل ویژگی های فقه امامیه در اواخر عصر قاجار؛ و ویژگی های فقهی حوزه اصفهان باتاکید بر نقش آیت الله



## ویژگی های فقه امامیه در اواخر عصر قاجار:

فقه امامیه در اواخر عصر قاجار دارای ویژگی های خاصی است: افزایش دخالت و توطئه دول استعمارگر در بلاد اسلامی و تضعیف و گرفتار نمودن مسلمانان - بخصوص در ایران و عراق - مسوولیت علما و مجتهدان اصولی را در این شرایط بیشتر کرد و موضع گیری های صریح آنان در امور سیاسی را موجب گردید.

به طور کلی جریان فقه شیعه در اواخر عصر قاجار دارای ویژگی هایی است که حوزه فقهی اصفهان نیز از آن برکنار نمانده است:

۱- ظهور رسایل عملیه، مشتمل بر آرا فقیه با کثرت متفرعات آن که با استدلال توأم بود. ابتکار تألیف این گونه رسایل با نگارش رساله «العروه الوثقی» توسط سید محمد کاظم یزدی طباطبایی شروع شد. نگاشته شدن حواشی و تعلیقات فراوان بر «العروه الوثقی» و تألیف رساله های عملیه و توضیح المسائل مستقل و متعدد توسط فقهای این دوره، تداوم همان خط سیر است. وجه مشترک بین این رساله ها، دقت و تعمق در مسایل فقهی است. (عظیمی، ۱۳۸۵: ۴۰۳) توجه به رسایل علمای بزرگی چون شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی (متوفی ۱۳۶۱ق)، محمد حسین نائینی (متوفی ۱۳۵۵ق) و آقا ضیاء الدین عراقی (متوفی ۱۳۶۱ق) در تأیید این واقعیت نمونه ای کوچک از موارد بسیار است.

۲- گسترش و افزایش نقش مرجعیت در بلاد مختلف اسلامی و مهمتر از آن تمرکز یافتن مرجعیت در فرد اعلم و رجوع بیشتر مسلمانان در عراق و ایران به مجتهد اعلم. به همین جهت از این دوره فقهی به بعد، شاهد حضور قوی و مؤثر مجتهدان طراز اول در صحنه اجتماعی و سیاسی جامعه مسلمین هستیم. هم سو شدن علما در سایه حمایت مجتهدان اعلم از دیگر مختصات فقهی این دوره است. علاوه بر این، رساله های عملیه برخی از مراجع بزرگ از این دوره به بعد به زبان های مختلف دنیا ترجمه و نشر گردید تا مسلمانان در اقصی نقاط جهان بتوانند در اعمال دینی و دنیایی خود به راحتی از مجتهد اعلم تقلید کنند. به عنوان مثال تقلید بیشتر شیعیان عراق، لبنان، ایران، هند و پاکستان از مراجع بزرگی چون سید ابوالحسن اصفهانی و بعد از ایشان آیت الله بروجردی تأییدی بر این مطلب است. (همان: ۴۰۴)

۳- ظهور مباحث و مسایل جدید در حوزه فقهت و در میان فقها از اواخر عصر قاجار به بعد: مسایلی همچون دعوت به مبانی وحدت اسلامی؛ تحقیق در حقانیت مذهب تشیع و تلاش در نشر آن، تشکیل انجمن ها و مجامع مذهبی؛ مبارزه با فرهنگ تهاجمی غرب در جوامع اسلامی و ...

و تحولات رخ داده در هر عصر و دوره چندان دقیق و بدان حد نبوده که بتوان آن را مبنای تقسیم قرار داد. دیگر آن که، طبقه بندی های مذکور چندان جامعیت نداشته و حداکثر تا قرن سیزدهم قمری و تا حیات شیخ انصاری (متوفی ۱۲۸۱ق) پایان یافته و تحولات فقهی پس از ایشان مورد ملاحظه قرار نگرفته است. با این حال، از تلفیق و همسان سازی تمامی این طبقه بندی ها درباره دوره تاریخی مورد بحث (اواخر عصر قاجار)، این دوره را می توان به عصر کمال رسیدن ابداعات اصولی و ورود مؤثر فقها در امور سیاسی و اجتماعی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۰ق) دانست که از آخوند خراسانی تا آخر حیات آیت الله بروجردی را شامل می شود. (عظیمی، ۱۳۸۵: ۱۱۱)

اگر چه آخوند خراسانی آخرین حلقه از شاگردان شیخ انصاری شمرده می شود، لکن ایشان به افکار و آرا شیخ انصاری ابداعات و ابتکارات جدیدی اضافه کرد و بدین طریق، خود صاحب سبک متکامل در اصول فقه و صاحب مدرسه خاص خود شد. شیخ انصاری پیشوای عالی ترین دوره اجتهاد و فقهت در عصر خویش شد و آخوند خراسانی با ابتکارات اصولی خود، پرچمدار عالی ترین مرحله علم اصول و فقه گردید.

یکی از حوادث مهمی که در زمان آخوند در ایران روی داد، مسأله انقلاب مشروطیت بود که حضور سیاسی آخوند خراسانی در حوادث ایران را موجب شد. فقهای دیگر این دوره همچون میرزا محمد تقی شیرازی، سید حسن صدر، شیخ عبدالکریم حائری، ضیاء الدین عراقی، میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی به نحوی در عرصه مسایل سیاسی، یا اجتماعی وارد شدند و این دوره را با ویژگی های خاص از دوره های قبل ممتاز نمودند. در اصفهان نیز مرحوم آقا نجفی که در محضر میرزا محمد تقی شیرازی درس خواند و مورد وثوق و اطمینان وی بود در جریان نهضت تحریم تنباکو به حمایت از فتوای استاد خود قیام کرد (دوانی: ۹) اگر چه بنا به گفته بسیاری از منابع برای اولین بار در ایران، منع استفاده از توتون و تنباکو قبل از فتوای میرزای شیرازی در اصفهان از سوی علمای این شهر که در رأس آنها آقا نجفی بود، به اجرا گذاشته شده بود. (آدمیت، ۱۳۶۰: ۵۹ و ۶۰؛ تیموری، ۱۳۶۱: ۷۹)

آقا نجفی نه تنها روحانی مورد وثوق آیت الله خراسانی در عتبات بود و مردم ولایت اصفهان نظراتش را مطاع می دانستند، بلکه روحانیون و مشروطه خواهان از سواحل خلیج فارس گرفته تا ایالات و ولایات فارس، یزد، کرمان، چهار محال و ... اوراحامی خویش دانسته و گزارش امور را به اطلاع اومی رساندند. (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱ ش ۴؛ ۷ ش ۲۷؛ ۲ ش ۱۸؛ ۶)

مقارن این ایام، مرحوم آقا نجفی نیز، چنین اقدامی کرده بود. هیجانی که علیه امتیاز تنباکو پدید آمد از یک سو نقش سنتی علما در مخالفت با دولت و از سوی دیگر، مقاومت در برابر رخنه تدریجی بیگانه را به شدیدترین وجه متجلی ساخت. تجربه‌ای که در مشروطیت دوباره توسط علما تکرار گردید.

سومین نمونه، احکام و فتاوی سیاسی صادره از علما احکام و فتوایی است که دو گروه مخالف و معارض طبقه مجتهدان در جریان مشروطه، علیه یکدیگر صادر می‌کردند. جالب آن که هر کدام از دو گروه از اصحاب مکتب اصولی شمرده می‌شدند و نظریات متعارض یکدیگر ارائه می‌دادند. همین نکته نشان از آن دارد که در مکتب اصولی استنباط عالم از نصوص دینی در پرتو دلیل عقلانی است و نقش و جایگاه سیاسی فقیه در این مکتب بسیار برجسته است زیرا که به عالم اجازه ابراز نظریات متفاوت را می‌دهد.

دومین جریان سیاسی در عملکرد فقیه در فقه شیعه، مسأله ولایت سیاسی است. ولایت سیاسی علما در فقه شیعه از دو اصل سرچشمه می‌گیرد: اول آن که، فقها دنباله‌رو ائمه اطهار (علیه السلام) در دوران غیبت هستند و دوم آن که، فقه شیعه با اتکا به منابع چهار گانه « کتاب، سنت، عقل و اجماع » قادر به پاسخ‌گویی به مسایل و نیازهای روز از جمله مسایل سیاسی است و با این اصل فقها مشروعیّت نظارت در مسایل و شرعیات پرداختند. (آل سیدغفور، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۳۵)

با احیای مکتب اصولی که توسط وحید بهبهانی (متوفی ۱۱۸۶ق) در اواخر عصر زندیه و ابتدای عصر قاجار صورت گرفت، باعث شد که مجتهد و فقیه در عرصه و قلمرو سیاست وارد گردد و مسایل و امور سیاسی را استنباط کند. به این ترتیب، سیاست نیز، از عرصه‌های فعالیت و استنباط سیاست از اختیارات فقیه مجتهد گردید. با سپری شدن عصر قاجار و نزدیک شدن آن به دوران اواخر این عصر، حضور علما به عنوان رهبران جامعه، بیش از پیش آشکارتر شد، و دلیل این امر چنان که گفته شد تقویت فقه اصولی از ابتدای عصر قاجار بود که در اواخر این عصر بیشتر و شدیدتر شد. این واقعیت مهم ترین ویژگی فقهی اواخر عصر قاجار است که در دوره، پس از این دوره به اولین و قوی‌ترین ویژگی فقهی فقه امامیه در بلاد اسلامی و بخصوص ایران بدل گردید.

براین اساس، اواخر عصر قاجار به طور همزمان صدور احکام و فتاوی سیاسی - با طرح ولایت سیاسی - علما بر امور جامعه را موجب شد و در جامعه به عنینت رسید.

فقهایی همچون شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، سید عبدالحسین عاملی و در شهر اصفهان فعالیت‌های مرحوم آقا نجفی و برادرش حاج آقا نورالله نجفی (نجفی، ۱۳۷۱: ۶۴-۷۳ و نجفی، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۴۲) از این رهگذر قابل بررسی و تأویل است که در ادامه به برخی از اقداماتشان اشاره خواهیم کرد.

۴- استمرار ورود مؤثر فقها در مسایل سیاسی و مشارکت آنان در سرنوشت سیاسی مسلمین مهمترین ویژگی جریان فقهی اواخر عصر قاجار است. نمونه‌هایی از این موارد، عبارت است از: فتوای آخوند خراسانی به ضرورت مشروطیت در ایران به جهت مبارزه با سلطنت مستبد؛ صدور فتوای تاریخی میرزای دوم در جهت مبارزه با استعمار بریتانیای کبیر در عراق و فدا کردن فرزندان خود در این مسیر؛ فتوای سید محمد کاظم یزدی درباره جهاد با استعمار غرب و فدا کردن فرزند خود در مواجهه انگلیسی‌ها به عراق؛ فتوای میرزای شیرازی در خصوص تحریم تنباکو در ایران و شکست سنگین استعمار انگلیس در ایران؛ تألیف کتاب « تنبیه الامه و تنزیه المله » توسط علامه نائینی درست ۱۸ سال پس از فتوای استادش میرزای شیرازی و مسایل سیاسی دیگر.

## بررسی جایگاه سیاسی فقیه در اواخر عصر قاجار

چنان‌چه گفته شد جایگاه و شأن سیاسی فقیه که از اوایل عصر قاجار با احیای مکتب اصولی رو به قوت نهاده بود، در اواخر این دوره بیشتر شد. وقایع سیاسی و اجتماعی این دوران نیز، بیش از پیش به تقویت جایگاه فقها و مجتهدان افزود. از این دوره شاهد دو جریان سیاسی در عملکرد و حوزه وظایف فقیه‌ایم: اول احکام و فتوای سیاسی، دوم ولایت سیاسی.

در احکام و فتوای سیاسی مجتهد بدون در نظر گرفتن بحث ولایت، می‌تواند با تمسک به شرع به بسیج سیاسی مقلدان دست بزند. برای مثال در حوادث تاریخی دوره قاجار به بعد در سه مورد مهم، شاهد این فتاوی سیاسی هستیم: حکم به جهاد در جنگ‌های ایران و روس که علما، و مجتهدان، اذن جهاد صادر کردند. (رک. قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۰: ۹-۲۲)، حکم تحریم استعمال تنباکو که میرزای شیرازی صادر کرد. این حکم خبر از آغاز حرکت جدیدی از علما در امور سیاسی می‌داد که پس از آن حرکت و اعتراض مردمی تحت لوای علما، استوارتر و منسجم‌تر گردید. (الگار، ۱۳۶۹: ۳۲۲ و ۳۲۳) در اصفهان نیز چنان‌چه اشاره شد





## ویژگی‌های حوزه فقهی اصفهان در اواخر عصر قاجار:

همانطور که اشاره شد حوزه علمی اصفهان در دوران قاجاریه پر رونق بود. تفاوتی که حوزه فقهی اصفهان این دوره با دوره صفویه داشت بدان جهت بود در دوره صفویه این شهر پایتخت حکومتی بود و مرکز پرورش علما و بزرگان بسیاری چون، میرداماد، میرفندرسکی، شیخ بهایی، ملاصدرا، فیض کاشانی و ... بود. اما در آشوب‌های سیاسی پس از سقوط صفویه، حوزه علمی اصفهان دچار افت شدیدی شد. با آغاز عصر قاجار، رویه غالب علمی و فقهی اکثر شهرهای ایران، آن گونه بود که بیشتر عالمان اصفهان تحصیلات سطوح را در این شهر فرامی‌گرفتند و برای تکمیل تحصیلات به حوزه نجف، مهاجرت می‌کردند. البته، برخی از آنان پس از کسب درجه اجتهاد و نایل شدن به مراتب بالای دروس حوزوی به اصفهان باز می‌گشتند. به این ترتیب، اصفهان در دوره قاجار توانست علی‌رغم فرازو نشیب‌های بسیار، شأن و جایگاه علمی و فقهی خویش را حفظ کند. حوزه فقهی اصفهان این دوران، دارای ویژگی‌های خاصی بود که برخی از آنها متمایز با جریان فقه امامیه حوزه نجف و برخی از آنها متمایز از جریان فقه امامیه بود. در ذیل، با بیان این ویژگی‌ها به طور گذرا می‌توان به این مطلب بیشتر آگاه گردید:

۱- مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی: در واقع از آغاز شکل‌گیری حکومت صفوی، مهمترین ویژگی حوزه اصفهان، همکاری علما و مشارکت آنان در اداره امور سیاسی کشور بود. (برای آگاهی درباره مناسبات علمای حوزه اصفهان با شاهان صفوی و اقدامات علما در این باب، رک. جعفریان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۸۳-۷۱)

پس از سقوط صفویان و هرج و مرج سیاسی حاکم بر ایران از نفوذ و اعتبار حوزه علمی اصفهان کاسته شد، اما با آغاز دوره قاجار و غلبه مکتب اصولی بر اخباری‌گری توسط علامه وحید بهبهانی (متوفی ۱۱۸۶ق) علمای بزرگ اصولی در اصفهان رشد و نفوذ یافتند که حیثیت و اعتبار علمی و فقهی را به این شهر بازگرداندند. از جمله معروف‌ترین علمای بزرگ اصفهان دوره قاجار، به ترتیب: شیخ محمد تقی بن محمد رحیم اصفهانی (متوفی ۱۲۴۸ق) مؤلف کتاب ارزشمند هدایه المسترشدين (داماد شیخ جعفر کاشف الغطاء و جد اعلاي خاندان آقا نجفی)؛ سید محمد باقر شفتی (متوفی ۱۲۶۰ق) مشهور به حجت‌الاسلام، که مدت‌ها مرجعیت دینی مردم و ریاست علمی حوزه اصفهان را در اختیار داشت؛ محمد ابراهیم کلباسی (متوفی ۱۲۶۱ق) مجتهد برجسته که در مسجد حکیم اصفهان به تدریس فقه و اصول و وعظ

و ارشاد مردم می‌پرداخت. شیخ محمد باقر نجفی (متوفی ۱۳۰۱ق) فرزند شیخ محمد تقی اصفهانی که پس از کسب درجه اجتهاد در عراق به اصفهان بازگشت و کرسی تدریس فقه و اصول را در آن شهر در مسجد شاه (مسجد امام کنونی) دایر کرد و شاگردان زیادی پرورش داد. (امین، ج ۹: ۱۸۶) معروفترین و شاخص‌ترین فرزند وی در اواخر عصر قاجار، محمد تقی مشهور به آقا نجفی (متوفی ۱۳۳۲ق) بود که پس از درگذشت پدر در جای او به تدریس فقه و اصول پرداخت و جایگاه ویژه‌ای میان طلاب و عموم مردم داشت. او به جهت مخالفت با برخی اعمال ظل‌السلطان، والی اصفهان و مقابله جدی با فرقه بابیه و پیش‌گیری از فعالیت‌های آنان مدتی به تهران فرا خوانده شد و در آنجا شروع به تدریس کرد. در مدت کمی مورد توجه قرار گرفت و به همین سبب از او خواستند به اصفهان برگردد. وی نیز چنین کرد و در اصفهان در جایگاه زعامت و مرجعیت دینی فعالیت کرد. (موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۲: ۶۳۸-۶۴۰) در جریان مشروطیت نیز هفت تن از علمای درجه اول حوزه علمیه اصفهان در حمایت از نهضت مشروطیت بیانیه صادر کردند (مهدوی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۸) حاج آقا نورالله نجفی برادر وی یکی از مشهورترین این علماء بود که نقش مهمی در حمایت از مشروطه بر عهده داشت. (همان، ج ۲: ۴۶-۴۹)

۲- موضوعات درسی متنوع و گوناگون: در حوزه اصفهان مثل سایر حوزه‌ها محور آموزش فقه بوده است. رواج مجادلات اخباری - اصولی از رخدادهای مؤثر در حوزه اصفهان بود و حتی برخی از بزرگان، حوزه اصفهان را به جریان اخباری متمایل کردند. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۴۳-۴۸) از ویژگی‌های بارز حوزه اصفهان توجه به حدیث و علوم حدیث است. در کنار آن توجه به فلسفه نیز از رونق فراوانی در حوزه اصفهان برخوردار بود. سنت تدریس فلسفه در اصفهان تا دوران معاصر نیز ادامه یافت و کسانی چون حاج آقا رحیم ارباب به تدریس این دانش اهتمام ورزیدند. جلال‌الدین همایی از تربیت‌شدگان اوست. در تألیفات آقا نجفی نیز در این مورد می‌توان به رساله در جبر و تفویض وی اشاره کرد (مهدوی: ۱۲۵) علوم طب و نجوم نیز در حوزه اصفهان تدریس می‌شد و در کنار آن ریاضیات هم مورد توجه علما بود. در قرن چهاردهم، چهار یا پنج مدرس ریاضیات در اصفهان، خلاصه الحساب شیخ بهایی و هیأت ملا علی قوشچی را تدریس می‌کردند (جناب اصفهانی، ۱۳۷۱: ۱۰۵) به این ترتیب، جامعیت علمی، یکی از ویژگی‌های حوزه فقهی اصفهان است. علمای اصفهان هم در علوم عقلی و هم در علوم نقلی استاد بودند. براین

در کتاب عین الحیوة به نقد نظری تصوف پرداخت (طارمی را: ۲۱۸-۲۴۲)، تا علما و مجتهدین دوره قاجار که با این جریان مخالفت داشتند (حائری، ۱۳۷۲: ۱۴۳-۱۶۸) این جریان از ویژگی‌های بارز فقهی حوزه اصفهان به شمار می‌رفت.

۶- مدارس دینی متعدد: یکی از ویژگی‌های برجسته حوزه دینی اصفهان از دوره صفویه تا عصر حاضر، رونق مدرسه سازی در آن بوده است. بیشتر این مدارس توسط حاکمان و بزرگان و علمای دینی ساخته شده که برخی از آن مدارس موجود و برخی به تدریج از بین رفته اند. به عنوان نمونه، مدرسه الماسیه در سال ۱۱۰۴ ق در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی به دست حاج الماس از غلامان خاص شاه ساخته شد. در سال ۱۳۵۵ ق اداره اوقاف اصفهان آن را تخریب کرد ولی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش آیت‌الله شیخ مهدی نجفی، زمین مدرسه را در اختیار گرفت و در همان مکان مدرسه‌ای بنا کرد که تا کنون پابرجاست. (مهدوی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲۹۲)

اگر چه در قرن اخیر با تأسیس حوزه علمیه قم از اهمیت حوزه علمیه اصفهان کاسته شده؛ اما همچنان مدارس علمیه در این شهر پابرجاست و طلاب به فراگیری علم در آن مشغول اند. (برای آگاهی از تعداد مدارس و حوزه‌های علمی اصفهان و تاریخچه آن رک ایمانیه، ۱۳۵۵ ش؛ موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲؛ رفیعی مهر آبادی، ۱۳۵۲ ش؛ مهدوی، ۶ (۱۳۸) مدرسه شاه یا مدرسه مسجد جامع عباسی که به گفته جناب اصفهانی (۱۳۷۱ ش: ۱۱۰) ده حجره داشته و پانزده طلبه در آن ساکن بوده‌اند، از مهمترین پایگاه‌های علمی و آموزشی شیعه بود و علمای زیادی در آن به تعلیم و تعلم پرداخته اند. سید محمد کاظم یزدی، صاحب عروة الوثقی، در ابتدای تحصیل از طلاب این مدرسه بوده و در محضر محمد باقر خوانساری (صاحب روضات) و محمد باقر مسجدشاهی و جمعی دیگر شاگردی کرده است. (مدرسی تبریزی، ج ۶: ۳۹۲) مرحوم آقا نجفی نیز مدت سی سال از هنگام وفات پدر (۱۳۰۱ ق) به طور مستقل امامت و تدریس در فقه و اصول را در مسجد شاه آغاز نمود و تا وقت رحلت عده زیادی از فضلا و مجتهدان در حلقه درسی وی شرکت نمود. (برای آشنایی با اسامی شاگردان وی رک مهدوی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۰۴-۱۰۷) در مسجد شاه مدرسان و طلاب وظایف و مقرری خاصی داشته اند. این مسجد یارده مدرس داشت که دو روز هفته را تعطیل و بقیه ایام هفته را موظف به تدریس در مسجد بوده اند. (سپنتا: ۵۸ - ۶۰)

اساس، در این حوزه میان علوم عقلی و علوم نقلی، الفت و همزیستی نزدیکی وجود داشت.

۳- مقابله و مناظره با تبلیغات مبشران مسیحی و فرق انحرافی: یکی از ویژگی‌های حوزه علمی اصفهان از دوره صفویه تا دوره معاصر، مقابله با اقدامات تبشیری و ردیه نویسی بر مسیحیت بود. از دوره صفویه می‌توان به میر سید احمد علوی (متوفی ۱۰۵۴ ق) شاگرد و داماد میر داماد با کتاب‌های او به نام لوامع ربّانی و مصقل صفا که در رد مسیحیت نوشت، اشاره کرد. در دوره افشاریه میرزا مهدی خان استر آبادی با همکاری میر محمد معصوم و فرزند میر عبدالغنی خاتون آبادی کتابی به نام انجیل نادرشاهی را ترجمه کردند. از همه اینها مهمتر در قرن چهاردهم حاج آقا نورالله نجفی، مرکزی را به نام «صفا خانه» تأسیس کرد که هدف اصلی آن برگزاری جلسات گفت‌وگو بین اسلام و مسیحیت بود. این مرکز مجله‌ای نیز، با عنوان الاسلام منتشر می‌کرد. (نجفی، ۱۳۸۵: ۱۶)

ظهور شیخ احمد احسائی و شکل گیری جریان شیخیه و متعاقب آن باییت و بهاییت نیز، واکنش‌هایی را در حوزه اصفهان موجب شد. در این قضایا نقش شیخ محمد باقر نجفی و پسرش شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی) بسیار اساسی و تأثیرگذار بود. (نجفی، ۱۳۷۱: ۱۶۵-۱۹۰؛ جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۳۰۵) علاوه بر آن، از مرحوم آقانجفی، رساله در ردّ یهودیت موجود است که نشان از توجه به این جریان در محافل دینی اصفهان و شخص نامبرده داشته است. (مهدوی: همان)

۴- ترجمه متون به فارسی: هم چنان که در بحث ویژگی‌های جریان فقه امامیه اشاره شد، در اواخر عصر قاجار، بحث ترجمه متون و نصوص دینی به زبان‌های مختلف، رونق بسیار یافت. حوزه فقهی اصفهان نیز، از این امر مستثنی نبود. از دوره صفوی بسیاری از متون حدیثی از زبان عربی به فارسی ترجمه شد. از دوره صفویه بسیاری از ترجمه ها و مترجمان آن دوره را می‌توان نام برد. (جعفریان، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۳۴۷-۱۳۸۸) در دوره قاجار با قوت گرفتن حوزه فقهی نجف از یک سو و دخالت‌ها و توطئه‌های بیگانگان از سوی دیگر؛ همراه با افزایش مراجع و مجتهدان اصولی، کثرت رساله‌های عملیه و ترجمه آنها را شاهدیم. از مرحوم آقا نجفی نیز، رساله توضیح المسائل به فارسی موجود است که خود نشان از توجه به مقتضیات و نیاز زمانه و درک شرایط آن روزگار را دارد. (مهدوی؛ همان مأخذ)

۵- مخالفت با تصوف: یکی از ویژگی‌های حوزه اصفهان بویژه از اواخر دوره صفویه به بعد مخالفت علما و فقها با تصوف و صوفیان بود. از ملا محمد باقر مجلسی که



## برخی از اقدامات سیاسی و فرهنگی مرحوم آقا نجفی در جایگاه فقیه اصولی:

همانطور که اشاره شد، عالم و فقیه در مکتب اصولی بر خلاف مکتب اخباری از اهمیت و جایگاه سیاسی برجسته‌ای برخوردار است. عالم در مکتب اصولی، اول به جهت مجتهد بودن و آگاهی و تسلط بر منابع و نصوص دینی و دوم بدان جهت که در دوره غیبت امام، خویشتن را در جایگاه نایب امام، مسوول رسیدگی به امور مسلمین شمرده، خود را موظف به حضور و دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه مسلمین می‌داند. مرحوم آقا نجفی نیز، پس از آن که در نجف به فراگیری و کسب علوم دینی پرداخت، برای انجام امور دینی و تبلیغ به اصفهان بازگشت و در کنار انجام وظایف و تکالیف شرعی خویش به برخی فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مبادرت نمود. به طور خلاصه وار برخی از اقدامات وی به شرح ذیل است:

- جنبش تحریم تنباکو در اصفهان: برخی از علما و مجتهدین برجسته و طراز اول اصفهان در این جنبش شرکت داشتند که رهبری و هدایت بزرگان و عامه مردم اصفهان بر عهده آقا نجفی بود. مبارزه با استبداد ظل السلطان و حکام قاجاری اصفهان: پیشتر عمر آقا نجفی مقارن با دوران ضعف و انحطاط حکومت قاجار و حکام مستبد قاجاری حاکم بر اصفهان سپری شد. مقابله با ظلم ظل السلطان و دفاع از مردم اصفهان در برابر زیاده خواهی‌های وی؛ مبارزه با اقبال الدوله کاشی (حاکم محمد علی شاه در اصفهان) و دیگر حکام مستبد اصفهان پس از نهضت مشروطیت نشان از قدرت و نفوذ سیاسی وی در اصفهان این دوره دارد. (مهردوی، ۱۳۶۸: ۴۸۰-۴۸۱)

- سیاست اتحاد اسلامی: وی به منظور ایجاد وحدت و جلوگیری از پراکندگی و تفرقه بین فرقه‌های اسلامی مکاتباتی با سلطان عثمانی و شیخ الاسلام کل ممالک عثمانی داشته است (روزنامه زاینده رود، ۱۳۳۹، ش ۳، ص ۲) البته طرح اتحاد اسلامی توسط وی و برادرش حاج آقا نورالله نجفی برای مقابله با زیاده خواهی‌های روس و انگلیس نیز بود. (الگار: ۳۲۲) - مبارزه با استعمار خارجی: علاوه بر مقابله با استبداد داخلی، هوشیاری و مبارزه با استعمار خارجی، از مهمترین اهداف علما از ورود به صحنه سیاست جامعه اسلامی بود. آقا نجفی نسبت به ممانعت از نفوذ بیگانه و استقلال کشور توجه و حساسیت ویژه‌ای داشت و تلاش زیادی در مقابله با این خطر انجام داد. (روزنامه مجلس، ۵، ش ۶۵، ۲۵ دی حجه ۱۳۲۹ق)

- شرکت در جنبش مشروطیت و رهبری آن: در جنبش مشروطه اصفهان، آقا نجفی به همراه برادرش حاج آقا نورالله نقش رهبری و هدایت آن را بر عهده داشت و بر خلاف تهران، که حرکت مشروطیت به انحراف کشیده شد و روحانیت دچار انزوا گردید، در اصفهان این نهضت تا به آخر تحت حمایت روحانیت و وفادار به ایشان باقی ماند. این واقعیت، یکی از ویژگی‌های مهم مشروطیت اصفهان بود که آن را از مشروطیت سایر مناطق متمایز می‌کرد. (نجفی، ۱۳۸۵: ۷۱-۸۹)

- مبارزه با انحرافات و فرقه‌های انحرافی: با توجه با نقش قاطعی که آقا نجفی در فرو نشاندن شورش بابیه در سال ۱۲۹۶ق داشت، هواداران بابیه بویژه نویسندگان این فرقه، تلاش فرهنگی و قلمی گسترده‌ای را علیه خانواده مسجد شاهی به راه انداختند (نجفی، ۱۳۸۵: ۶-۱۰) این امر عواقب سختی برای آقا نجفی در پی داشت. زیرا علاوه بر حمله به شخصیت و افکار وی، در قالب کتاب و نوشته، اعتراضات روس و انگلیس را موجب گردید و سرانجام به تبعید آقا نجفی از اصفهان به تهران انجامید. (همان، ۱۶۵-۱۹۰)

- مبارزه فرهنگی - اقتصادی برضد غرب: از جمله اقدامات مهم آقا نورالله نجفی به همفکری برادرش آقا نجفی تشکیل انجمنی به نام «صفا خانه» در محله جلفا با همکاری و مساعدت برخی از بزرگان اصفهان بود. هدف از تشکیل این انجمن مبارزه با استعمار خارجی در بعد فرهنگی در قالب مباحثه و مذاکره با علمای مسیحی در امور مذهبی بود. (مهردوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۰) به منظور انتشار متن گفت‌وگوها و مباحثات انجام شده، روزنامه‌ای به نام الاسلام دایر گردید. در زمینه اقتصادی نیز، اقدامات زیادی جهت مقابله با وابستگی اقتصادی و تشویق مردم به استفاده از کالاها و محصولات داخلی صورت گرفت. تأسیس شرکت اسلامی در سال ۱۳۱۶ق در جهت تشویق به استفاده از تولیدات داخلی و تبلیغات در مقابل کالاهای خارجی با حمایت حاج آقا نورالله نجفی، و برادرش آقا نجفی اقدام اقتصادی مهمی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. حمایت از اقدام مجلس شورای ملی در خصوص تأسیس بانک ملی که با هدف قطع وابستگی از دول روس و انگلیس صورت گرفت، از دیگر اقدامات حمایتی آقا نجفی به همراهی سایر علمای دیگر بود. (رجایی، ۱۳۸۵: ۲۱۱-۲۳۲)

## رحلت و منزلت اجتماعی آقانجفی

می‌توان به موقعیت اجتماعی علمای شیعه از تشییع جنازه آنها پس از فوتشان پی برد. جریده جبل المتین در ششمین روز درگذشت آقا نجفی نوشت: «در این شش



روز، شهر [ اصفهان ] و توابع، یکپارچه ماتم است . . . از دست رفتن این بزرگ مرد برای مسلمانان واقعاً بسی جای افسوس است. سی سال تمام، به استحقاق کامل، حامی روحانیت اسلام بود. می توان با کمال جرأت اظهار نمود که در تمام سیصد هزار جمعیت اصفهان و توابع، در این چند روز یک حالت جنونی مشاهده می شود، شرح وقایع نوشتنی نیست». (روزنامه حبل المتین، ش ۱۶، ۲ شوال ۱۳۳۲ ق، ص ۲۰)

تحلیل روانشناسی این تجلیل از اجساد مطهره علما توسط مردم مسلماً مبتنی بر پایگاه اجتماعی و موقعیت مردمی آنان است و گرنه تجلیل از شخصی که پس از مرگش نمی تواند نفع مادی برای آنان داشته باشد، یا مشروعیت معنوی برای آنان به همراه داشته باشد، هیچ توجیهی غیر از احترام و منزلت اجتماعی آن فرد در نزدشان ندارد.

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان  
منابع:

- ۱- آدمیت، فریدون، شورش بر امتیازنامه رژی، تهران، پیام، چاپ اول، ۱۳۶۰.
- ۲- آل سیدغفور، سیدمحسن، جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ۳- الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه: ابوالقاسم سزی، تهران، توس، ۱۳۶۹.
- ۴- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، دار التعارف، بیروت، ۱۹۸۶ م.
- ۵- ایمانیه، مجتبی، تاریخ فرهنگ اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵.
- ۶- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، نشر زوار، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- ۷- تبریزی، میرزا محمد، ریحانه الادب، ج ۵، تهران، انتشارات خیام، چاپ چهارم.
- ۸- تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکویا اولین مقاومت منفی در ایران، تهران، البرز، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- ۹- جابری اصفهانی، میرزا حسن خان، تاریخ اصفهان، تصحیح: جمشید مظاهری (سروشبار)، اصفهان، مشعل، ۱۳۷۸.
- ۱۰- جعفری هرنیدی، محمد، مروری بر تاریخ فقه و فقهها، اداره کل حج و اوقاف مازندران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۱- جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، جلد اول و دوم و سوم، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۱۲- جناب، میر سید علی، رجال و مشاهیر اصفهان، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۵.
- ۱۳- الاصفهان، به اهتمام عباس نصر، انتشارات گلها، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۷۱.
- ۱۴- جناتی، محمد ابراهیم، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، ۲ جلد، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۱۵- ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۶- حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران یا دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۱۷- خوانساری، میرزا محمد باقر، روضات الجنات فی الحوال العلماء و السادات، ج ۲ و ۳، بیروت الدار الاسلامیه، ۱۴۱۱

ق. ۱۸- دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، مرکز فرهنگی قبله، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۱۹- ربانی، محمد حسن، فقه و فقههای امامیه در گذر زمان، تهران، نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۲۰- رجائی، عبدالمهدی، ۱۳۸۵، تاریخ مشروطیت اصفهان، مرکز اصفهان شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۲۱- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.

۲۲- روزنامه انجمن مقدس ملی، اصفهان، مدیرسیدسراج الدین صدر، س اول تا پنجم.

۲۳- روزنامه حبل المتین کلکته، هند، مدیرمویدالاسلام کاشانی، ش چهارده تا شانزده.

۲۴- روزنامه مجلس، تهران، مدیرسیدصادق طباطبایی، س اول تا پنجم.

۲۵- روزنامه زاینده رود، اصفهان، مدیرمعین الاسلام خونساری، س اول تا پنجم.

۲۶- سبحانی، جعفر، طبقات الفقهاء، ج ۲، موسسه امام صادق (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

۲۷- سپنا، عبدالحسین، تاریخچه اوقاف اصفهان، اصفهان، انتشارات اداره کل اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶.

۲۸- شهایی، محمود، ادوار فقه، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۹.

۲۹- صدر، سید محمد باقر، همراه با تحول اجتهاد، ترجمه اکبر ثبوت، بی جا، انتشارات روزه، ۱۳۵۹.

۳۰- عظیمی، حبیب الله، تاریخ فقه و فقهها، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۳۱- قائم مقام فراهانی، میرزا عیسی، احکام الجهاد و اسباب الرشاد، با مقدمه دکتر غلامحسین زرگری نژاد، تهران، بقعه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۲- گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهها، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۳۳- مدرسی طباطبائی، سید حسین، مقدمه ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۸.

۳۴- موحد ابطحی، میر سید حجه، ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، ۳ جلد، اصفهان، دفتر تبلیغات المهدی، چاپ امیر، قم، ۱۴۱۸ ق.

۳۵- مهدوی، سید مصلح الدین، بیان المفاخر، احوالات عالم جلیل حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی، نشر کتابخانه ی مسجد سید اصفهان، چاپ قم، ۱۳۶۸.

۳۶- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، سه جلد، قم، نشر الهدیه، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۳۷- دارالعلم شرقی (مدارس دینی اصفهان)، به تصحیح نیلوفروشان، اصفهان، سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.

۳۸- اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله نجفی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

۳۹- بنیاد فلسفه سیاسی در ایران عصر مشروطیت، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.

۴۰- حکم نافذ آقا نجفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۴۱- مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دین، دولت، تجدید) تکوین هویت ملی نوین ایران از عصر صفویه تا دوران معاصر، تهران، نشر منیر، ۱۳۷۸.

۴۲- حوزه نجف و فلسفه تجدید در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه سیاسی، ۱۳۸۷.

روز، شهر [ اصفهان ] و توابع، یکپارچه ماتم است . . . از دست رفتن این بزرگ مرد برای مسلمانان واقعاً بسی جای افسوس است. سی سال تمام، به استحقاق کامل، حامی روحانیت اسلام بود. می توان با کمال جرأت اظهار نمود که در تمام سیصد هزار جمعیت اصفهان و توابع، در این چند روز یک حالت جنونی مشاهده می شود، شرح وقایع نوشتنی نیست». (روزنامه حبل المتین، ش ۱۶، ۲ شوال ۱۳۳۲ ق، ص ۲۰)

تحلیل روانشناسی این تجلیل از اجساد مطهره علما توسط مردم مسلماً مبتنی بر پایگاه اجتماعی و موقعیت مردمی آنان است و گرنه تجلیل از شخصی که پس از مرگش نمی تواند نفع مادی برای آنان داشته باشد، یا مشروعیت معنوی برای آنان به همراه داشته باشد، هیچ توجیهی غیر از احترام و منزلت اجتماعی آن فرد در نزدشان ندارد.

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان  
منابع:

- ۱- آدمیت، فریدون، شورش بر امتیازنامه رژی، تهران، پیام، چاپ اول، ۱۳۶۰.
- ۲- آل سیدغفور، سیدمحسن، جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ۳- الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه: ابوالقاسم سزی، تهران، توس، ۱۳۶۹.
- ۴- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، دار التعارف، بیروت، ۱۹۸۶ م.
- ۵- ایمانیه، مجتبی، تاریخ فرهنگ اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵.
- ۶- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، نشر زوار، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- ۷- تبریزی، میرزا محمد، ریحانه الادب، ج ۵، تهران، انتشارات خیام، چاپ چهارم.
- ۸- تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکویا اولین مقاومت منفی در ایران، تهران، البرز، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- ۹- جابری اصفهانی، میرزا حسن خان، تاریخ اصفهان، تصحیح: جمشید مظاهری (سروشبار)، اصفهان، مشعل، ۱۳۷۸.
- ۱۰- جعفری هرنیدی، محمد، مروری بر تاریخ فقه و فقهها، اداره کل حج و اوقاف مازندران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۱- جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، جلد اول و دوم و سوم، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۱۲- جناب، میر سید علی، رجال و مشاهیر اصفهان، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۵.
- ۱۳- الاصفهان، به اهتمام عباس نصر، انتشارات گلها، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۷۱.
- ۱۴- جناتی، محمد ابراهیم، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، ۲ جلد، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۱۵- ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۶- حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران یا دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۱۷- خوانساری، میرزا محمد باقر، روضات الجنات فی الحوال العلماء و السادات، ج ۲ و ۳، بیروت الدار الاسلامیه، ۱۴۱۱